

مفهوم دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱

کوروش استوارسنگری^۲

چکیده

دولت از اصطلاحات چندوجهی در حقوق است که مفاهیم متعدد دارد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تعدد مفاهیم دولت دیده می شود. نویسنده در این مقاله استدلال خواهد کرد در این قانون، اصطلاح دولت به پنج مفهوم یعنی دولت به عنوان کشور، دولت به عنوان مجموعه حاکمیت، دولت به عنوان قوه مجریه و دولت به عنوان کابینه یا هیأت وزیران، و در یک مورد خاص دولت به مفهوم قوه قضائیه است. هر کدام از این مفاهیم پنج گانه دولت را در وضعیت و جایگاه خاص حقوقی قرار می دهد، که در مورد حقوق و تکالیف دولت و مردم در قانون اساسی باید به این جایگاه و مفهوم خاص دولت در هر اصل توجه کرد. اگر دولت را در هر کدام از اصول قانون اساسی به جای مفاهیم دیگری تفسیر کنیم در سازمان و جایگاه حقوق دولت خلل ایجاد می شود و به حقوق مردم لطمه وارد می کند بنابراین مفهوم دولت در هر اصل را باید با توجه به اصول کلی و شواهد ناظر بر آن استنتاج کرد و مشخص نمود که در هر اصل دولت به کدام مفهوم به کار برده شده است.

کلید واژه ها: دولت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت، قوه مجریه، کشور، هیأت وزیران، قوه قضائیه.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۲۴

^۲ عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

مقدمه

واژه دولت ۳۸ بار در ۳۳ اصل قانون اساسی ج.ا.ا به کار برده شده است، البته از این تعداد مواردی با ترکیبهای "دولت جمهوری اسلامی" (۴ بار)^۲ دریافتهای دولت^۳، موافقتنامه ها و قرار دادهای دولت ایران، دولت جدید^۴، آئین نامه های دولت^۵ و کارمندان دولت^۶ بوده است، به علاوه اینکه این واژه به صورت دولتی نیز یازده بار در ترکیبهای ادارات دولتی^۷، معاملات دولتی^۸، بخش دولتی^۹ (دو بار)، شرکتهای دولتی^{۱۰}، بناها و اموال دولتی^{۱۱}، مؤسسات دولتی^{۱۲}، نشانهای دولتی^{۱۳}، دستگاههای دولتی^{۱۴} و آئین نامه های دولتی^{۱۵} (دو بار) در اصول قانون اساسی آمده است. واژه دولت به صورت جمع نیز دو بار یکی در اصل ۱۲۵ (دولتها) و دیگری در ۱۵۲ دول به کار رفته است. این موضوع که اصطلاح دولت یا دولتی در اصول مذکور به عنوان کدامیک از مفاهیم دولت که در حقوق مطرح است به کار رفته است چندان مورد بحث قرار نگرفته است برخی از صاحب نظران به صورت مجمل و خلاصه اظهار نظر کرده اند، که آنچه در قانون اساسی ج.ا.ا از دولت سخن رفته است نگاه به قوه مجریه است^{۱۶}. اما این نظر دقیق و علمی نیست و با بررسی عمیق واژه دولت در همه اصول قانون اساسی ج.ا.ا بیان نشده است.

^۱- این اصول عبارتند از ۳-۸ (دو بار)-۹-۱۱-۱۴-۲۱-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۹-۵۲-۵۳-۷۹-۸۰-۸۲-۸۵ (سه مرتبه)-۱۰۲-۱۰۳-۱۲۵-

۱۳۴ (دو بار)-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۸-۱۴۱ (دو بار)-۱۴۷-۱۵۱-۱۵۵ و ۱۷۱

^۲- ترکیب دولت جمهوری اسلامی در اصول ۳-۱۱-۱۴ و ۱۵۵ به کار رفته است.

^۳- اصل ۵۳

^۴- اصل ۱۲۵

^۵- اصل ۱۳۸

^۶- اصل ۱۴۱

^۷- اصل ۱۷

^۸- اصل ۴۹

^۹- اصل ۴۴

^{۱۰}- اصل ۵۵

^{۱۱}- اصل ۸۳

^{۱۲}- اصل ۸۵

^{۱۳}- اصل ۱۲۹

^{۱۴}- اصل ۱۳۴

^{۱۵}- اصول ۱۷۰ و ۱۷۳

^{۱۶}- دکتر عبدالحمید ابولحمید، پیرامون رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور و شخصیت حقوقی دولت، مجله کانون و کلاء شماره ۱۵۱-

۱۵۰، بهار و تابستان ۱۳۶۹، ص ۱۱۹

دکتر ابولفضل قاضی نیز در کتاب خود اشاره مختصری به معادلهای اصطلاح کشور در قانون اساسی ج.ا.ا داشته است و نظر صریح و مبسوطی در مورد کاربرد واژه دولت در قانون اساسی ج.ا.ا ارائه نکرده است. در کتاب نظارت قضائی بر دولت در دیوان عدالت اداری نوشته نصراله صدالحفاظی نیز اشاره به منظور از دولت در چند اصل قانون اساسی ج.ا.ا کرده است. اما از معدود کتابهایی که مربوط به مفهوم دولت در قانون ج.ا.ا است، پیوستهای کتاب نظریه دولت در ایران نوشته آن.کی.اس.لمتون ترجمه. گردآوری و پیوست، چنگیز پهلوان است. مترجم در پیوست نخست خود پس از بیان معانی متعدد دولت از نظر سیاسی در زبان فارسی، معتقد است که در فارسی نیز مانند زبانهای اروپایی باید میان معنای دولت (که وی آن را معادل state می داند) به عنوان یک نظام کلی و انتزاعی (آبستره)^۱ که معرف تمامیت سیاسی، اجتماعی یک کشور است و تجلی انتزاعی واقعی اقتدار است و حکومت (معادل goverment) به عنوان هیأت وزیران که از نظر وی مجموعه انسانی و غیر دائمی است و شامل افرادی که اقتدار را به کار می برند تفاوت گذاشت، ولی این دو اصطلاح (دولت و حکومت) به جای هم و گاه در هر دو معنا به کار می روند^۲ وی سپس به معانی متعدد دولت در قانون اساسی مشروطیت می پردازد (مانند دولت به عنوان یک نظام سیاسی، مملکت، هیأت وزیران و...) و معتقد است که در قانون اساسی ج.ا.ا نیز چند معنایی بودن اصطلاح دولت وجود دارد و با استناد به اصول قانون اساسی استدلال می کند که در اصول مورد استناد دولت به عنوان کشور، به عنوان کابینه، به عنوان سه قوه آمده است و در مجموع معتقد است که در قانون اساسی ج.ا.ا دولت به پنج معنی به کار رفته است^۳:

۱- دولت در معنای آبستره اقتدار

۲- دولت به معنای قوه مجریه

۳- دولت به معنای هیأت وزیران و حکومت

۴- دولت به معنای سه قوه

۵- به معنای نظام سیاسی^۴

دسته بندی مترجم از مفاهیم دولت در قانون اساسی ج.ا.ا از این نظر محل اشکال است که وی در پیوست اول کتاب، آبستره اقتدار را همان نظام کلی سیاسی و اجتماعی بیان کرده است، لذا تفکیک دولت در معنای آبستره

^۱ - انتزاعی، مجرد، غیر قابل لمس، نظری، خیالی

^۲ - آن.کی.اس.لمتون. نظریه دولت در ایران، گردآوری، ترجمه و پیوستها، چنگیز پهلوان، نشر گویو، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۲۲

^۳ - همان منبع ص ۲۲۷

^۴ - همان منبع ص ۲۲۹

اقتدار به صورت مستقل و دولت به معنی نظام سیاسی (به عنوان یک مفهوم جداگانه) موضوعیت ندارد. علاوه بر آن وی یکی از معانی دولت را هیأت وزیران و حکومت دانسته است یعنی از نظر ایشان هیأت وزیران مترادف حکومت است. در حالی که در مورد اصل اول قانون اساسی ج.ا.ا که مقرر می دارد حکومت جمهوری اسلامی است وی معتقد است که منظور از حکومت در این اصل ساختار قدرت است که به صورت جمهوری اعمال می گردد و نظر اخیر با عنوان بندی مذکور تعارض دارد.

در پیوست دوم کتاب مترجم (گردآورنده) به اصولی از قانون اساسی ج.ا.ا که اصطلاح دولت در آن به کار رفته است استناد و نظر خود را در هر مورد و اینکه در هر اصل دولت به کدام مفهوم است بیان میکند که در قسمتهای بعدی به نظرات ایشان استناد و نظر نگارنده نیز بیان می شود.

در هر حال از نظر نگارنده واژه دولت در قانون اساسی ج.ا.ا به مفاهیم ذیل به کار رفته است:

۱- به مفهوم کشور

۲- به مفهوم نظام سیاسی حاکم یا حاکمیت

۳- به مفهوم قوه مجریه

۴- به مفهوم هیأت وزیران یا کابینه

۵- به مفهوم خاص یکی از قوا (غیر از قوه مجریه)

به علاوه اینکه در برخی از اصول قانون اساسی اصطلاح دیگری به غیر از دولت به کار رفته است که منظور از آن دولت به یکی از مفاهیم مذکور است.

گفتار اول: دولت به عنوان کشور

در دو اصل قانون اساسی ج.ا.ا. واژه دولت به مفهوم کشور است این اصول عبارتند از :

۱- اصل ۱۲۵

طبق این اصل "امضای عهدنامه، مقاوله نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت ها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست."

از یک طرف می توان گفت منظور از دولت در اصطلاح دولت ایران در این اصل مفهوم عام آن است. یعنی امضای عهد نامه ها، مقاوله نامه ها، موافقتنامه ها و قرارداد های دولت به مفهوم سه قوه (کل حاکمیت) بر عهده رئیس جمهور است، هر چند که عهد نامه مربوط به سایر قوا باشد. چون رئیس جمهور در اینجا (یعنی در عرصه بین الملل) به عنوان نماینده کل حاکمیت مطرح است و صرفاً از طرف قوه مجریه نیست، اما از طرف دیگر در این اصل

دولت ایران به مفهوم کشور ایران است چون امضاء عهدنامه ها و مقاوله نامه و موافقت نامه های بین المللی توسط مقام ذیصلاح دولتی و یا پیوستن به یک اتحادیه بین المللی به منزله پیوستن یک کشور به عنوان یک جامعه سیاسی متشکل و دارای حاکمیت مستقل و مستقر در سرزمین معین است و در این صورت یک کشور را به موارد مذکور پیوند می دهد و دارای حق و تکلیف می نماید. تغییر حاکمیت سیاسی (دولت) در یک کشور تأثیری در حقوق و تکالیف و تعهدات کشور طرف معاهده ایجاد نمی کند در یک معاهده بین المللی یک دولت به مفهوم یک کشور طرف معاهده است و دولت به مفهوم حاکمیت سیاسی مستقر در سرزمین یک کشور آنرا نمایندگی می کند. بنابراین در اینجا دولت ایران به مفهوم کشور ایران است و منظور از دولت در سایر دولت ها در حقیقت سایر کشورها است.

۲- اصل ۱۵۲

طبق این اصل "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی، و سلطه پذیری حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است."

دول غیر محارب به معنی کشورهای غیر محارب است چون در عرصه خارجی جنگ میان دو جامعه سیاسی به رسمیت شناخته شده از نظر بین المللی به منزله جنگ دو کشور است. در مورد مصداق این اصل می توان به وضعیت ایران و اسرائیل استناد کرد. جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را به عنوان یک کشور به رسمیت نمی شناسد و روابط خصمانه بین آنها حاکم است از نظر مقامات جمهوری اسلامی دولت اسرائیل یک دولت محارب است طبیعی است که چون جمهوری اسلامی، اسرائیل را به عنوان یک کشور به رسمیت نمی شناسد حاکمیت سیاسی مستقر در آن را نیز به عنوان نماینده یک کشور نپذیرفته است بنابراین دول در این اصل به مفهوم کشورها (دولت = کشور) است.

گفتار دوم: دولت به مفهوم کل حاکمیت سیاسی (به مفهوم عام)

اصول ذیل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منظور از دولت کل حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی است این اصول عبارتند از:

۱- اصل سوم

طبق اصل سوم ق.ا.ج.ا "دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی .

۲- بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تعمیم آموزش عالی.

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی.

۷- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی.

۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲- پی ریزی استقلال صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان."

در مورد این اصل اولاً^۱ اشتباه نگارشی در صدر اصل وجود دارد و تنظیم متن آن دقت لازم به عمل نیامده، بدین شرح که در اصل دوم اهدافی بیان نشده است و اصل دوم ناظر بر اهداف جمهوری اسلامی نیست. بلکه همچنانکه در صدر اصل دوم تصریح شد پایه های ایمانی^۱ اعتقادی و مبانی نظری جمهوری اسلامی بیان شده است، به علاوه اینکه بند ۶ اصل دوم راههای رسیدن یا تحقق یکی از مبانی جمهوری اسلامی، کرامت و ارزش والای

۱- دکتر سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، ص ۶۱

انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا بیان شده است و در اصل دوم تصریحی به اینکه اهداف ج.ا. موارد مندرج در اصل است دیده نمی شود البته می توان از محتوای برخی از جنبه ها اصل دوم (نه همه آنها) مانند بند ۶ استنباط دارد که این مورد می تواند از اهداف جمهوری اسلامی نیز باشد.

ثانیاً منظور از دولت در این اصل مفهوم عام آن یعنی مجموعه حاکمیت سیاسی است^۱ چون وظایف مندرج در آن مربوط به یک قوه خاص نیست برای مثال تأمین آموزش و پرورش و تربیت بدنی را برای همه موضوع بند ۳ از وظایف قوه مجریه است اما ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه (بند ۱۴) از وظایف قوه قضاییه است و تساوی عموم در برابر قانون (بند ۱۴) از اصول است که همه قوا از جمله قوه مقننه نیز مکلف به رعایت آن در هنگام قانون گذاری است شورای نگهبان نیز در موارد متعدد طرح ها و لوایح مصوب مجلس شورای اسلامی را به لحاظ مغایرت با بندهایی از اصل سوم تأیید نکرده است.^۲

۲- اصل هشتم

"در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند..."

در این اصل نیز دولت به مفهوم عام مورد نظر است چون رابطه متقابل امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به حاکمیت مورد نظر بوده است، که در اصل به عنوان وظیفه همگانی و متقابل مردم نسبت به دولت و دولت نسبت به مردم تعیین شده است، مردم تنها نسبت به قوه مجریه وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ندارد بلکه این امر نسبت به سایر قوا نیز موضوعیت دارد.

۳- اصل نهم

طبق این اصل "در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی

^۱ - نظر دیگری وجود دارد که معتقد است واژه دولت در اینجا به معنای قوه مجریه است اما دلیلی برای آن بیان نمی شود لذا نویسنده می گوید می توان دولت را در این اصل به معنای وسیعتر که شامل هر سه قوه باشد نیز به کاربرد ر.ک.ب. آن. کی.اس.لمتون. نظریه دولت در ایران گردآوری و ترجمه چنگیز پهلوان، نشر گویو، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۳۰

^۲ - به عنوان مثال می توان به اعلام مغایرت طرح استانی شدن حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی با اصول قانون اساسی (از جمله اصل سوم) در ۸۲/۳/۲۲ توسط شورای نگهبان یا اعلام مغایرت طرح سازمان نظام پزشکی ج.ا.ا. در ۸۲/۴/۱۴ در این زمینه اشاره کرد ر.ک.ب. مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد ۶ در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره هشتم، نشر داد گستر، ص ۲۸۷ و ۳۰۴

حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.^۱

در مورد مفهوم دولت در این اصل گفته شده است "در اینجا مفهوم دولت برابر است با قوه مجریه و جمهوری اسلامی به معنای کل نظام سیاسی است.^۱ اینکه جمهوری اسلامی در این اصل به معنای کل نظام سیاسی است صحیح است اما در این اصل دولت به مفهوم قوه مجریه نیست بلکه در اینجا نیز به مفهوم عام آن یعنی کل حاکمیت (سه قوه) است. زیرا در اصل حفظ آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از وظایف دولت بیان شده است، و طبق قسمت آخر اصل "هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند" منظور از مقام در این اصل مقام دولتی است. وضع قانون که در این اصل به آن اشاره شده است در صلاحیت قوه مقننه است. بنابراین دولت در اصل نهم نیز به مفهوم کل حاکمیت است البته وضع قانون در ج.ا.ا. در صلاحیت هیچ مقامی نیست و قوه مقننه یک نهاد است نه یک مقام. بنابراین اصطلاح مقام در این اصل را باید به منزله نهاد نیز تعبیر کرد. شورای نگهبان برخی از طرح ها و لوایح مصوب مجلس را به علت مغایرت با اصل نهم تأیید نکرده است. از جمله می توان به اعلام مغایرت طرح اصلاح قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره با اصل مذکور در ۸۱/۱۱/۱ و اعلام مغایرت بنده یک ماده واحده^۲ لایحه اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران در ۷۵۴/۱/۲۸ با اصل نهم توسط آن شورا اشاره کرد.

۴- اصل یازدهم

طبق این اصل "به حکم آیه کریمه ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد."

^۱ - منبع - ان.کی.اس، پیشین، ص ۲۳۰

^۲ - مجموعه نظریات شورای نگهبان جلد ۶، ص ۲۰۸

^۳ - طبق تبصره یک لایحه دولت "نظام ارزی مناطق آزاد شناور است و برابری ریال ایران با اسعار مختلف طبق شرایط بازار آزاد و بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می شود ورود ارز از مناطق به سرزمین اصلی، آزاد و براساس عرضه و تقاضا تعیین می شود ورود ارز از منطقه به سرزمین اصلی آزاد و خروج ارز به هر شکل از سرزمین اصلی به منطقه تابع مقررات بانک مرکزی جمهوری اسلامی است.... شورای نگهبان عبارت سرزمین اصلی در این اصل را، مغایر با اصل ۹ قانون اساسی شناخته است.

^۴ - مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم، جلد ۹ نشر داد گستر تهران ۱۳۸۵ ص ۷۸۸

از یک بعد می توان گفت منظور از دولت جمهوری اسلامی ایران نظام جمهوری اسلامی است اما از بعد دیگر چون اصل مذکور ناظر بر وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران است. لذا باید گفت دولت در این اصل به مفهوم کل حاکمیت که نظام جمهوری اسلامی ایران را شکل می دهد است. زیرا در قانون اساسی هیچگاه دولت به مفهوم قوه مجریه با قید جمهوری اسلامی ایران آورده نشده است از طرف دیگر اصل یازدهم در فصل اول قانون اساسی که تحت عنوان اصول کلی است، قرار دارد. اینکه گفته شده است منظور از دولت در این اصل چیزی نمی تواند باشد جز قوه مجریه جمهوری اسلامی فاقد دلیل و استدلال است^۱. بعلاوه اصل یازدهم همه مسلمانان را امت واحده می داند اینکه بگوییم قوه مجریه جمهوری اسلامی ایران نیز بخشی از این امت واحده است با مفهوم امت اسلامی که شامل همه مسلمانان می شود سازگاری ندارد و چون در این صورت سایر قوای جمهوری اسلامی و مردم ایران در مفهوم امت واحده موضوع این اصل قرار نمی گیرد.

۵- اصل چهاردهم

طبق این اصل "به حکم آیه شریفه لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند."

در مورد این اصل گفته شده است "در این اصل معنای دولت چیزی نیست جز هیأت وزیران و نیروهای مجریه تابعه آن. زیرا فرض بر این است که سیاست های قوه مجریه را هیأت وزیران معرفی می کند و نیروهای تابعه اجرایی مجری این سیاستها هستند"^۲ اما این استدلال نادرست است همچنانکه در مورد اصل یازدهم نیز گفته شد منظور از دولت جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی است چون این اصل ناظر بر رفتار و نحوه عمل جمهوری اسلامی این با غیر مسلمانان است و غیر مسلمانان تنها با هیأت وزیران و قوه مجریه تعامل ندارند، بلکه رفتار با اخلاق حسنه و عدل اسلامی نسبت به غیر مسلمانان و رعایت حقوق انسانی آنها در قانونگذاری و قضاوت نیز موضوعیت دارد. بنابراین دولت در این اصل را باید مفهوم عام آن تفسیر کرد.

۶- اصل بیست و یکم

^۱ - ان. کی اس. لمتون. پیشین ص ۲۳۰

^۲ - همان منبع، ص ۲۳۰

طبق این اصل "دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی."

دولت در این اصل به مفهوم کل حاکمیت است چون حمایت از مادران بالخصوص در دوران بارداری و ایجاد بیمه خاص بیوگان هر چند وظیفه قوه مجریه است اما نیاز به وضع قانون از طریق قوه مقننه دارد. به علاوه ایجاد دادگاه صالح موضوع بند ۳ این اصل از طریق قوه مجریه امکان پذیر نیست بلکه با وضع قانون صورت می گیرد و اجرای چنین قوانینی نیز از وظایف قوه قضاییه است، اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته نیز از وظایف دادگاه است. جالب است در اینجا نیز گفته شده است دولت در این اصل همان هیأت وزیران و قوه مجریه است.^۱ ولی مداخله در زمینه مسئولیتهای مندرج در شقوق پنجگانه اصل ۲۱ مبین ضرورت انجام امور تفصیلی و قضائی و اجرائی به موازات یکدیگر و مفید اطلاق کلمه دولت در آن به هر سه قوه حاکم بر جامعه می باشد.^۲

۷- اصل چهل و یکم

طبق این اصل "تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمیتواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید."

در مورد این اصل گفته شده "در اینجا عملاً دولت به معنای هیأت وزیران است چون این هیأت است که حق سلب تابعیت را دارد"^۳ این سخن صحیح نیست چون اولاً هیأت وزیران حق سلب تابعیت (اصلی) افراد ایرانی را ندارد و آنچه در قانون عادی در این زمینه آمده است ناظر بر لزوم مجوز خروج از تابعیت ایرانی افرادی است که تابعیت خود را ترک می کنند.^۴ ثانیاً دولت در این اصل به مفهوم کل حاکمیت است چون که از آنجا که تابعیت

^۱- ان.کی.اس.لمتون.پیشین ص ۲۳۰

^۲- سید نصرالله صدرالحفاظی، نظارت قضائی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، نشر شهریار، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴

^۳- ان.کی.اس.لمتون، ص ۲۳۲

^۴- ماده ۹۸۸ قانون مدنی: اتباع ایرانی نمی توانند تابعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل

۱. به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.

کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و قابل سلب شدن نیست، لذا هیچکدام از قوای حکومتی یا نهاد دولتی حق سلب تابعیت افراد ایرانی را ندارد و علاوه بر قوه مجریه، مجلس شورای اسلامی نیز نمی تواند با وضع قانونی افرادی را از تابعیت ایرانی محروم نماید و یا دادگاه ها نمی توانند طبق رأی خود و به عنوان مجازات تابعیت افراد ایرانی را سلب نمایند. بنابراین دولت در این اصل به مفهوم عام مورد (کل حاکمیت) نظر است.

۸- اصل چهل و دوم

طبق این اصل "اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند."

در مورد این اصل گفته شده است "ایران به معنای کشور ایران است. دولت در این اصل به معنای قوه مجریه کشور دیگر هم هست و هم به معنای کشور است. چون معنای گسترده این واژه در اینجا این امکان را می دهد که بگوئیم کشوری دیگر تقاضای تابعیت این افراد را پذیرفته باشد. اگر به جای واژه دولت در اینجا واژه کشور بگذاریم تغییر معنایی به وجود نمی آید."^۱

۹- اصل چهل و نهم

این اصل مقرر می دارد "دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غضب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود."

در این اصل اصطلاح دولت سه بار بکار گرفته شده است (دولت مؤظف است.....معاملات دولتی..... به وسیله دولت اجرا شود) در مورد اول دولت به مفهوم عام آن و به نوعی به منزله نظام جمهوری اسلامی است چون در جمله آخر اصل تأکید شده است که این حکم (بازگرداندن ثروتهای نامشروع به صاحب حق) باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی صورت بگیرد منظور رسیدگی در اینجا رسیدگی قضایی توسط محاکم است. در مورد دوم از اصطلاحات معاملات دولتی استفاده شده است در اینجا اصطلاح دولتی صفت برای معاملات دولتی است "در زبان

۲. هیأت وزیران خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد

۳.....

۱- همان منبع، ص ۲۳۳

فارسی علی الاصول وقتی دولت را به صورت صفت بکار می‌بریم و می‌گوییم ((دولتی)) از معنای عام آن استفاده می‌کنیم^۱ بنابراین در اینجا نیز دولت به مفهوم عام مورد نظر است.

اما در مورد سوم برخی بدین خاطر که در اصل گفته شده است "این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود" استنباط کرده که دولت در این مورد به مفهوم قوه مجریه است^۲ (چون امور اجرایی مربوط به این قوه است) اما به نظر می‌رسد که در اینجا (مورد سوم) نیز دولت به مفهوم عام آن مورد نظر است چون منظور از اجرا در قسمت آخر اصل اجرای آراء محاکم قضایی در مورد رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی در مورد ثروتهای نامشروع نیست بلکه منظور از این حکم در حقیقت حکم مندرج در اصل و بیان دیگر منظور اجرای اصل چهل و نهم است^۳ که در صدر اصل به عنوان وظیفه دولت به مفهوم کل حاکمیت بیان شده است.

۱۰- اصل پنجاه و سوم

طبق این اصل "کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد."

دولت در این اصل به مفهوم عام آن کل حاکمیت مورد نظر است چون تنها قوه مجریه موضوع این اصل نیست، بلکه سایر قوا از جمله قوه قضاییه و زیرمجموعه آن مانند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به موجب قوانین متعدد دریافتهایی را از مردم دارند که باید در حساب خزانه داری کل متمرکز شود و دادگستری نیز به هنگام طرح دعاوی تحت عناوین مختلف مانند هزینه دادرسی و یا سپرده هایی که موجب قانون از افراد ذینفع اخذ می‌شود، مانند سپرده خسارت احتمالی به هنگام تأمین خواسته دریافتیهای دارند که مشمول اصل پنجاه و سوم قرار می‌گیرد.

۱۱- اصل پنجاه و پنجم

به موجب این اصل "دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاه هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده

^۱- همان بند ص ۲۳۶

^۲- همان منبع ص ۲۳۵

^۳- قانون اجرای اصل چهل و نهم در مرداد ۱۳۶۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. طبق ماده ۳ قانون شورای عالی قضائی (در حال حاضر رئیس قوه قضائیه) موظف است در مرکز هر یک از استانهای کشور و شهرستانهایی که لازم بداند شعبه یا شعبی از دادگاه انقلاب را جهت رسیدگی و ثبوت شرعی دعاوی مطروحه معین نماید.

باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.^۱

دولت در این اصل به مفهوم عام آن یعنی کل حاکمیت سیاسی یا سه قوه است. چون مؤسسات و شرکتهای دولتی موضوع این اصل در هر سه قوه موضوعیت دارد چون از یک طرف طبق ماده ۳ قانون محاسبات عمومی کشور (مصوب شهریور ۱۳۶۶) مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخص است که به موجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه گانه اداره می شود و عنوان وزارتخانه ندارد. بنابراین مؤسسه دولتی در هر سه قوه موضوعیت دارد برای نمونه- دیوان محاسبات مؤسسه ای زیر نظر قوه مقننه است و علاوه محاکم دادگستری و دیوان عدالت اداری مؤسساتی مانند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندانها و اقدامات تأمین کشور و دانشکده علوم قضائی از جمله مؤسسات زیر نظر قوه قضائیه هستند.^۱

به علاوه قانون مدیریت خدمات کشوری سال مصوب ۱۳۷۷ مفهومی وسیعتر از مؤسسه دولتی بیان کرده است طبق ماده ۲ این قانون "مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می شود و با داشتن استقلال حقوقی بخشی از وظایف و اموری که بر عهده یکی از قوای سه گانه و سایر مراجع قانونی می باشد انجام می دهد. کلیه سازمانهایی که از قانون اساسی نام برده شده است در حکم مؤسسه دولتی است." شرکتهای دولتی^۲ نیز در هر سه قوه موضوعیت دارد علاوه بر شرکتهای دولتی متعدد که در زیر مجموعه قوه مجریه قرار دارد در قوه قضائیه نیز روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران به صورت شرکت دولتی است.

۱۲- اصل هشاد

طبق این اصل "گرفتن و دادن وام با کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد."

در مورد دولت در این اصل گفته شده است دولت در اینجا به دو معناست "یکی هیأت وزیران که عمل اخذ وام را انجام می دهد یکی هم مجموعه نظام دولت است کشور را متعهد می کند. در عمل تمامی دستگاه دولتی را

^۱ - جهت اطلاع از فهرست مختصر مؤسسات عمومی و نهادهای انقلاب اسلامی و وابستگی آنها به هر یک از قوا ر.ک. به دکتر منوچهر طباطبائی مؤتمنی، حقوق اداری، انتشارات سمت، ۱۳۷۳، پیوست ۲، ص ۴۹۵ به بعد

^۲ - شرکت دولتی طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی سال ۱۳۶۶ واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و پایه حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی و مصادره شده به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. این تعریف با همین معیار در ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری سال ۱۳۸۶ نیز بیان شده است.

متعدد می سازد و کل کشور نسبت به آن تعهد پیدا می کند.^۱ در مورد این اصل می توان گفت منظور از دولت در این اصل هیأت وزیران نیست چون هیأت وزیران دارای صندوق مالی ویژه خود نیست. بنابراین رأساً اقدام به پرداخت و یا گرفتن وام نمی کند بلکه تصویب می کند که از محل چه اعتباری و توسط چه مرجعی وام یا کمک بلاعوض پرداخت شود، از طرف دیگر دادن و گرفتن وام یک عمل اجرایی است بنابراین ظاهراً منظور از دولت در این اصل قوه مجریه است. لذا در مورد دادن وام منظور از دولت قوه مجریه است ولی هر چند فرد اجلای دولت در این اصل قوه مجریه است اما چون هر سه قوه دارای اعتبارات مصوب هستند و هر سه قوه نیز هزینه خود را از محل اعتبارات خود پرداخت می کنند، لذا دادن کمک بلاعوض در هر سه قوه موضوعیت پیدا می کند بنابراین منظور از دولت در این اصل هر سه قوه می باشد.

۱۳- اصل هشتاد و سوم

اصل هشتاد و سوم مقرر می دارد " بنا ها و اموال دولتی که از نفایس دولتی می باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد."

دولت در این اصل به مفهوم عام است چون مقررات عادی که در مورد اموال دولتی وجود دارد، نیز مفهوم عام دولت را نشان می دهد از جمله می توان بر ماده ۵۹۸^۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ آیین نامه^۳ اموال دولتی که (مصوب ۷۲/۴/۲۷) بر اساس قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ تدوین شده است اشاره کرد.

۱۴- اصل هشتاد و پنجم (قسمت اول)

اصل هشتاد و پنجم مقرر می دارد " سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می تواند اختیار وضع بعضی

^۱- ان.کی.اس.لمتون، پیشین، ص ۲۳۱

^۲- ماده ۵۹۸: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراهای شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد.

^۳- ماده ۲ آیین نامه اموال دولتی: اموال دولت اموالی است که توسط وزارتخانه ها، مؤسسات و یا شرکتهای دولتی که صد در صد سهام آنها متعلق به دولت است خریداری می شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا در می آیند.

از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید به صورت آزمایشی اجرا می شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای ذی ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد، در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد."

دولت یا دولتی در این اصل پنج بار بکار برده شده است. دولت در قسمت مربوط به سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت به مفهوم عام است همچنانکه در بحث مربوط به اصل پنجاه و پنجم توضیح داده شد شرکتها و مؤسسات دولتی در هر سه قوه موضوعیت دارد بنابراین در اینجا دولت به مفهوم عام مورد نظر است اصطلاح وابسته به دولت نیز از همین امر پیروی می کند. در قسمت دیگر دولت به مفهوم هیأت وزیران است که در مبحث خود بررسی می شود.

۱۵- اصل یکصد و سوم

طبق این اصل "استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند."

برخی گفته از منظور از دولت در این اصل هیأت وزیران است،^۱ اما این نظر صحیح نیست. البته چون مقامات مذکور در این اصل یعنی استانداران، فرمانداران و بخشداران جزء قوه مجریه هستند ممکن است این مطلب را به ذهن مبتادر شود که منظور از دولت در این اصل قوه مجریه است و منظور از سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تضمین می شود مقامات هم ردیف و هم شأن استانداران، فرمانداران و بخشداران (مانند شهرداران و مدیران کل دستگاه های اجرایی) هستند اما از آنجا که مصوبات شوراها در حدود اختیارات آنها برای محاکم دادگستری نیز لازم الاجرا است بنابراین باید گفت منظور از دولت در این اصل مفهوم عام آن یعنی کل حاکمیت است برای مثال اگر شورای شهر در مورد نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری (موضوع بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون

^۱- همان منبع، ص ۲۴۱

تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی مصوب (۱۳۷۵) مصوباتی داشته باشد این مصوبات برای دادگاه ها نیز لازم الرعایه است و به همین اساس به تخلفات و یا جرائم مربوط به آن رسیدگی می کنند.

۱۶- اصل یکصد و بیست و نهم

طبق این اصل "اعطای نشانه های دولتی با رئیس جمهور است."

دولتی در اینجا برای نشانها، یکک وصف است. بنابراین دولت در اینجا به مفهوم عام است. نشانهای دولتی که طبق اصل ۱۲۹ بوسیله رئیس جمهور نشانه های اعطا می شود حکومتی است که از جانب کل حاکمیت سیاسی به افراد اعطا می گردد^۱. به بیان دیگر نشانهای موضوع اصل مذکور متعلق به هیأت وزیران یا قوه مجریه نیست بلکه به نماد قدرت اداره کننده کشور تعلق دارد.^۲

۱۷- اصل یکصد و سی و نهم

طبق این اصل "صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد که داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند."

در مورد اموال دولتی در ذیل اصل ۸۳ بحث شد بنابراین دولت در اینجا نیز به مفهوم عام است.

۱۸- اصل یکصد و چهل و یکم

این اصل مقرر می دارد "رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمتهای آموزشی در دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است." دولت در این اصل به مفهوم عام است و منظور از کارمندان دولت مندرج در این اصل شامل کارکنان سه قوه و در مجموع حاکمیت و شغل دولتی نیز اشتغال در هر سه نهاد حکومتی را شامل می شود. نظرات شورای نگهبان

^۱- همان منبع، ص ۲۴۴

^۲- ماده ۷ قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳ به منظور اجرای اصل ۱۲۹ نشانهای کشوری به پیشنهاد وزیر ذی ربط و تصویب هیأت دولت و نشانهای لشکری به پیشنهاد رئیس ستاد مشترک و تصویب فرمانده کل قوا یا مقام مجاز از طرف رئیس جمهور اعطاء می شود.

نیز علاوه بر اعضای قوه مجریه^۱ مقامات و کارکنان قوه قضاییه^۲ و قوه مقننه^۳ و یا نهادهای زیر مجموعه این نهاد را مشمول اصل ۱۴۱ دانسته است که این تفاسیر این شورا نیز مؤید مفهوم عام دولت در این اصل است. بنابراین مؤسسات دولتی و عمومی مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم به کلیه مؤسسات قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، دیوان محاسبات) قوه مجریه (وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی، شرکتهای دولتی، سازمانهای نظامی و انتظامی، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و....) قوه قضاییه (ریاست قوه قضاییه، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت (اداری) بازرسی کل کشور دادگاهها، دادرها سازمانهای وابسته به قوه قضاییه و غیره) رادیو و تلویزیون، شوراهای اسلامی، ده، بخش، شهر و غیره و بنیادها و نهادهای انقلابی، علمی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره که به تدریجی از بودجه عمومی استفاده می کنند اطلاق می گردد و اعضاء و کارکنان آنها مشمول ممنوعیت موضوع اصل یکصد و چهل و یکم می باشند.^۴

البته نکته قابل ذکر این است که شورای نگهبان اعضای خود را از مشمول اصل ۱۴۱ خارج دانسته است بدین لحاظ در سالهای ۱۳۶۸الی ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ تا کنون برخی از مقامات عالی قوه مجریه (مانند معاون رئیس جمهور در سالهای ۱۳۶۸الی ۱۳۸۰ و وزیر دادگستری و سخنگوی دولت از ۱۳۸۴ تا کنون) عضویت شورای نگهبان را به طور همزمان داشته اند که به نظر می رسد خلاف فلسفه و اصل یکصد و چهل و یک است.^۵ به علاوه تبصره ۸ ماده

۱- در مورد منع کارکنان یا مقامات قوه مجریه به داشتن شغل دولتی دیگر و یا نمایندگی مجلس نظرات زیر توسط شورای نگهبان اعلام شد:
الف- نظر به تفسیری شورای نگهبان در ۵۹/۱۲/۲۱ به شماره ۱۴۰۱ "چون سازمان اوقاف سازمان دولتی است و سرپرستی آن با سمت نمایندگان مجلس مخالف اصل ۱۴۱ است"

ب- نظریه ۲۷۰۸/۰۴ تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۷ در مورد مستغنی شناخته شدن نمایندگان مجلس که عهدهدار مستقل دولتی ز قبیل استانداردی می شوند به استناد اصل ۱۴۱

ج- نظریه ۸۵۱۳ مورخ ۶۲/۲/۲۰ نسبت به اصل ۱۴۱ "ریاست دانشگاه نظر به اینکه سمت اداری محسوب می شود مانع از اشتغال به نمایندگی است."
۲- الف- نظر به تفسیری شورای نگهبان به شماره ۴۲۹/۴۳ مورخ ۵۹/۱۰/۸ "قضاتیکه طبق بند سوم اصل ۱۵۷ قانون اساسی از طرف شورای قضائی استخدام و عدل و نصب آنها با شورای مذکور می باشد مطابق اصل ۱۴۱ قانون اساسی نمی توانند نماینده مجلس شورای اسلامی باشند.

ب- نظریه ۳۰۹۱ و ۳ مورخ ۱۳۶۰/۵/۱۲ "اعضای شورای عالی قضائی نمی توانند رئیس یکی از سازمانها یا ارگانهای دادگستری می باشند و مغایر اصل ۱۴۱ قانون اساسی می باشد."

د- نظر به ۶۷۷۲ مورخ ۷۳/۲۰/۲۲ "ریاست دانشکده مانند ریاست دانشگاه سمت اداری محسوب می شود تصدی آن برای نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی خلاف اصل ۱۴۱ قانون اساسی است."

۳- نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۵۴۰۰ به تاریخ ۷۲/۲/۲۴ "چون رئیس دیوان محاسبات کشور کارمند دولت محسوب می شود لذا با حفظ سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی نمی تواند در دیوان محاسبات انجام وظیفه نماید و موضوع با اصل ۱۴۱ قانون اساسی مقایر شناخته شد."

۴- دکتر سید محمد هاشمی "حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، ناشر دانشگاه بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۲۵"

۵- مجلس شورای اسلامی اصلاحیه ای بر ماده واحده ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ تصویب نمود و حقوقدانان شورای نگهبان را مشمول اصل ۱۴۱ و ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی اعلام کرد ولی شورای نگهبان آنرا خلاف قانون اساسی اعلام نمود که با اختلاف مجلس و شورای نگهبان موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردد و مجمع تشخیص در ۸۸/۴/۲۰ نظر مجلس شورای اسلامی را تأیید کرد

واحد قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۷۳/۱۰/۱۱ افرادی که مستقیماً از سوی رهبری به سمتهایی در دستگاه های مختلف منصوب شده اند را از مشمول قانون و در حقیقت اصل ۱۴۱ خارج کرده است این تبصره علاوه بر اینکه خلاف اصل ۱۴۱ و روح حاکم بر آن است این سؤال را نیز می آورد که مگر از نظر شورای نگهبان^۱ و قانونگذار رهبری نهادی خارج از دولت به مفهوم عام (حاکمیت) است؟

۱۹- اصل یکصد و پنجاه و پنجم

این اصل مقرر می دارد "دولت جمهوری اسلامی ایران می تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند"

در مورد اصل دوم قانون اساسی گفته شد که منظور از دولت جمهوری اسلامی ایران کل حاکمیت و دولت مفهوم عام است هر چند از نظر اجرائی اعطاء پناهندگی سیاسی توسط مجموعه ای در قوه مجریه صورت می گیرد^۲ اما باید در اینجا منظور از دولت را همان نظام و کل حاکمیت دانست.

۲۰- اصل یکصد و هفتاد و سوم

این اصل مقرر می دارد "به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحد ها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند."

در این اصل قید دولتی به مأمورین و واحدها و آیین نامه ها برمی گردد یعنی منظور از این اصل شکایت مردم نسبت به مأمورین دولتی، واحد های دولتی و آیین نامه های دولتی است و دیوان عدالت مرجع رسیدگی به شکایات مذکور است. در این اصل دولت به مفهوم عام یعنی کل حاکمیت است. زیرا هیچ قرینه و قیدی که مأمورین، واحد ها و آیین نامه های مذکور را مختص یکی از قوا (در فرض اولیه قوه مجریه) بدانیم وجود ندارد. منظور از مأمورین دولتی هر شخص در خدمت یکی از واحدهای وابسته به حاکمیت است، اعم از اینکه در واحد دولتی اشتغال داشته باشد و یا به عنوان وظیفه قانونی خود خدمت می کند (مانند خدمت نظام وظیفه) شورای نگهبان

و حقوقدانان شورای نگهبان نیز مشمول اصل ۱۴۱ گردیدند. با خود و معاونت شورای نگهبان در برابر مصوبه مذکور اشکال وارده به نظر این نهاد هنوز باقی است.

^۱ - مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره چهارم) جلد ۱۰، ناشر انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۵، ص ۵۰۰
^۲ - طبق ماده سوم آیین نامه پناهندگاه مصوب ۴۲/۹/۲۵ هیأت وزیران رسیدگی به امور پناهندگاه از جمله روند پذیرش تقاضای آنها به کمیته پناهندگان تحت نظر معاون وزارت کشور و با حضور نمایندگان عالی رتبه وزارت خارجه، وزارت کار اداره دوم ستاد ارتش ایران، سازمان اطلاعات و امنیت کشور، شهربانی کل کشور، ژاندرمری کل کشور، مدیر کل سیاسی اداره سیاسی وزارت کشور و اگذار شده است. البته مقامات مذکور در این ماده باید با توجه تغییرات بعدی در نظر گرفت.

در تفاسیر متعدد خود از اصل ۱۴۱ قضات دادگاهها، سرپرستی اوقاف، استانداری، ریاست دانشگاه و دانشکده، رئیس دیوان محاسبات را به عنوان شغل دولتی محسوب و جمع آنها با موارد مذکور در اصل ۱۴۱ را خلاف قانون اساسی اعلام کرده است که در بررسی اصل ۱۴۱ به آنها استناد شد. بنابراین این موارد افراد مذکور به نوعی مأمور دولت نیز محسوب می شوند در نتیجه منظور از مأموران دولتی ذکر شده در اصل ۱۷۳ مأمورین کل حاکمیت یا سه قوه است واحد های دولتی ذکر شده در اصل ۱۷۳ نیز مربوط به کل حاکمیت است.^۱ در مورد آیین نامه های دولتی نیز صفت دولتی برای آیین نامه برای هر آیین نامه ای که در نهادهای مربوط به حاکمیت وضع می شود موضوعیت دارد.^۲ بنابراین در اینجا نیز دولت به مفهوم عام مورد نظر است، و در مجموع منظور از دولت در اصل ۱۷۳ مفهوم عام آن یعنی کل حاکمیت است و شامل هر سه قوه می شود.

گفتار سوم: دولت به مفهوم قوه مجریه

در تعدادی از اصول قانون اساسی دولت به مفهوم قوه مجریه است این اصول به شرح ذیل مورد رسیدگی قرار می گیرند:

۱- اصل بیست و هشتم

طبق این اصل "هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید."

در این اصل قانون اساسی دولت موظف شده است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. دولت در اینجا به منزله قوه مجریه است چون ایجاد اشتغال یک امر اجرایی است. به اضافه اینکه گفته شده است دولت در این اصل "همسان است با هیأت وزیران زیرا سیاستهای عام اشتغال در عمل به عهده این هیأت است نه تمامی قوه مجریه."^۳ از این نظر محل اشکال است که

^۱- در این زمینه به تعریف قوانین عادی از جمله قانون محاسبات عمومی و قانون مدیریت خدمات کشوری از مؤسسه دولتی مراجعه شود که در بررسی اصل ۵۵ نقل شد.

^۲- البته در مورد مرجع صالح برای وضع آیین نامه این مطلب قابل ذکر است با توجه به اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی صلاحیت وضع آیین نامه ها با استناد ۱۳۸ و ۱۷۰ قانونی اساسی در انحصار قوه مجریه است و دیگر قوا و یا دیگر دستگاه های حکومتی حق وضع آیین نامه ندارد چون از یک طرف اصل ۱۳۸ وضع آیین نامه را در صلاحیت مقامات و نهادهای عالی قوه مجریه اعلام کرده است اصل ۱۷۱ نیز قضات را مکلف می کند که تزی اجرای آیین نامه های دولتی که خارج از حدود انتشارات قوا مجریه است خودداری کند بنابراین خارج از اختیارات قوه مجریه برای آیین نامه در اصل ۱۷۱ انحصار قوه مجریه در وضع آیین نامه را مبتدا در می سازد در این زمینه نظر به تفسیری شورای نگهبان به شماره ۷۸/۲۱/۴۵۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۵ قابل توجه است "ارجاع تصویب آیین نامه به کمیسیون یا کمیسیونهای مجلس خلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسی است."

^۳- آن. کی. اس. لمتون، پیشین، ص ۲۳۱

هیأت وزیران در عمل امکان اشتغال افراد را ایجاد نمی کند بلکه مجموعه قوه مجریه امکان چنین امری را دارد. هیأت وزیران از یک سو نهاد عالی قوه مجریه است و از سوی دیگر تمام سیاستهای عام قوه مجریه توسط هیأت وزیران تصمیم گیری می شود. لذا نمی توان گفت منظور از دولت در این اصل هیأت وزیران^۱ است بلکه کلیت قوه مجریه مورد نظر است هر چند اصطلاح قوه مجریه هیأت وزیران را نیز در بر می گیرد و به نوعی هیأت وزیران فرد اجلای قوه مجریه است اما اصولاً هیأت وزیران سیاستگذار قوه مجریه است و خود کار اجرای مستقیم در ارتباط با امور مراجعین (مردم) انجام نمی دهد.

۲- اصل بیست و نهم

طبق اصل بیست و نهم "برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانیناز محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند."

اینکه گفته شده است دولت در این اصل همان هیأت وزیران است^۲ اشکالی که در مورد این برداشت در اصل ۲۸ ذکر شد در اینجا نیز موضوعیت دارد چون تأمین خدمات و حمایتهای مالی تأمین اجتماعی توسط مجموعه قوه مجریه صورت می گیرد و همچنانکه گفته شد هیأت وزیران کار اجرائی مستقیم در خدمات رسانی به مردم را انجام نمی دهد. لذا نباید دولت در اصل ۲۸ را به مفهوم هیأت وزیران تفسیر کرد.^۳

۳- اصل سی ام

طبق این اصل "دولت است موظف وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسط فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد."

طبق این اصل دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه افراد ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. تهیه وسایل

^۱- در همان منبع (ص ۲۳۲) ذیل اصل ۳۱ نیز تأکید شده است که وقتی دولت در این معناها (یعنی تهیه و تأمین امور خدماتی (مانند تأمین اجتماعی، مسکن، آموزش و پرورش) سخن به میان می آید نمی توان تصویری جز هیأت وزیران داشت که اشکال استدلال مذکور در اینجا نیز وارد است.

^۲- همان منبع، ص ۲۳۲

^۳- در این زمینه دادنامه ۸۲ مورخ ۷۳/۷/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قابل توجه است هیأت عمومی دیوان عدالت بخشنامه فرمانده پلیس راه ژاندمری مبنی بر ممنوعیت کارکنان دولت از شغل رانندگی اتوبوس شهری را به استناد قسمت اول اصل ۲۸ ابطال نموده است.

آموزش و پرورش یک امر اجرایی است لذا دولت در این اصل نیز به منزله قوه مجریه است. البته در اینجا نیز گفته شد که دولت به معنی هیأت وزیران است^۱ که قبلاً این نظر نقد شد.

۴- اصل سی و یکم

براساس این اصل "داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائیان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند". دولت در این اصل موظف به ایجاد زمینه برای بهره مندی افراد از مسکن متناسب با نیازشان به خصوص روستائیان و کارگران است که در اینجا نیز به منزله قوه مجریه است چون این امر را نمی توان از سایر قوا مانند قوه قضائیه انتظار داشت. در مورد این اصل نیز گفته شده است منظور از هیأت وزیران است البته استدلال شده است که در عمل بخشی از بدنه هیأت وزیران مسئولیت اجرای این امور را برعهده دارد ولی با توجه به اینکه هر سیاستی در هیأت وزیران مورد تصویب قرار می گیرد لذا در اینجا نیز نمی توان تصویری جز هیأت وزیران از مفهوم دولت داشت.^۲ این استدلال نیز قبلاً مورد اشکال قرار گرفت.

۵- اصل چهل و سوم

طبق اصل چهل و سوم "برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار است :

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد."

برخی گفته اند "ونه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد..." به دولت یک وجه کلی و انتزاعی می بخشد و در واقع تمامی ساختار اداری کشور را در بر می گیرد این مجموعه در عمل شامل ساختار اداری

^۱- همان منبع، ص ۲۳۲

^۲- همان منبع، ص ۲۳۲

هر سه قوه است.^۱ این استدلال ناشی از عدم دقت در اصل چهل و سوم و عبارات بکار رفته در آن است زیرا از یک طرف اصل چهل و سوم در فصل چهارم قانون اساسی تحت عنوان اقتصاد و امور مالی قرار دارد، این اصل نیز ناظر بر ضوابطی است که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر آن استوار است و بحث از ساختار اداری کشور نیست. از طرف دیگر تأکید بند ۲ اصل چهل و سوم به اینکه تأمین شرایط و امکانات کار برای همه نباید به متمرکز و تداول ثروت در دست افراد گروه های خاص منجر شود یا دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ در آورد ناظر بر فعالیت های دولتی در امور اقتصادی است بیان و شأن کارفرمایی برای دولت در این اصل، دولت را در مقام انجام امور اقتصادی و در مقام کارفرمایی نشان می دهد. شأن کارفرمایی برای اشخاص اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقوقی عمومی یک شأن اجرایی است بنابراین دولت نیز در این اصل به مفهوم قوه مجریه است.

۶- اصل چهل و چهارم

طبق این اصل "نظام اقتصادی جمهوری اسلام یا ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند."

برخی عقیده دارند دولت در این اصل به مفهوم عام یعنی کلیت نظام جمهوری اسلامی مدنظر است و چنین استدلال کرده اند "اصطلاح دولتی در این اصل به دولت به معنای عام و انتزاعی آن اشاره دارد تعریف بخش دولتی در این اصل گسترده است و به مالکیت عمومی و در اختیار دولت توصیف شده است. این معنای گسترده به

^۱ - همان منبع ص ۲۳۳

دولت خصلتی انتزاعی و عام می بخشد. این معنای دولت با معنای متعارف از حکومت که دستگاهی است اجرایی، متفاوت است در ضمن در اینجا دولت به معنای هیأت وزیران یا قوه مجریه نیست، زیرا مالکیت عمومی معنایی وسیع دارد که در اختیار کلیت یک نظام قرار می گیرد^۱ " اما اگر در این اصل دقت شودنی " اضافه شده به دولت در این اصلی نسبت است نه صفت. به بیان دیگر منظور از دولتی در این اصل آن بخش از اقتصاد که به دولت اختصاص دارد و به آن نسبت داده می شود است.

در اصل چهل و چهارم بخش دولتی اقتصاد نظام جمهوری اسلامی ایران شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند آنها بیان شده است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. اموری که در این اصل به صورت تمثیل بیان شده است همه جزء فعالیت های اقتصادی و امور اجرایی است. لذا دولت در این اصل به مفهوم قوه مجریه است، به عنوان مثال پست و تلگراف و تلفن و سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی جزء فعالیت های اجرایی است که در اختیار قوه مجریه می باشد و این نمی تواند در اختیار دیگر قوا مانند قوه قضائیه و قوه مقننه قرار گیرد، تا بتوانیم اصطلاح دولت در این اصل را که مفهوم عام آن و کلیت نظام محسوب نمایم. نکته دیگر اینکه در اصل چهل و سوم مواردی که جزء بخش دولتی اقتصاد قرار می گیرد (مانند صنایع بزرگ، معادن بزرگ) را به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت اعلام کرده قید مالکیت عمومی در این اصل مفهوم مالکیت عمومی را به عنوان مبنایی برای تفسیر این اصل قرار نمی دهد که بخواهیم با توجه به این مفهوم استدلال کنیم. چون مفهوم مالکیت عمومی صرفاً در قوه مجریه موضوعیت پیدا نمی کند (مثلاً ساختمان محل استقرار قوه مقننه هم جزء مالکیت عمومی است) لذا با توجه به این مفهوم دولت در این اصل شامل هر سه قوه می شود. اما در این اصل قید مالکیت عمومی با قید در اختیار دولت با یکدیگر آورده شده در عمل نیز نگاه های مذکور در اصل چهل و چهارم در اختیار دولت به مفهوم قوه مجریه است. به علاوه اصل چهل و چهارم در مورد بخش خصوصی می گوید: بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت های اقتصادی و دولتی تعاونی است. لذا می توان گفت آنچه مبنای اصلی تقسیم بندی سه بخش اقتصاد جمهوری اسلامی فعالیت و یا فعل اقتصادی است و گرنه مالکیت آن چندان موضوعیت ندارد، برای مثال در این اصل بازرگانی خارجی یا بیمه و پست و تلگراف و تلفن در بخش دولتی اقتصاد قرار دارد در این موارد مالکیت چندان مبنای اصلی نیست بلکه فعالیت در این حوزه ها مبنای اصلی است.

^۱ - همان منبع ص ۲۳۴

۷- اصل هشتاد و دوم

طبق این اصل "استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی"

در مورد مفهوم دولت در این اصل نیز گفته شده است "دولت جنبه عام دارد یعنی به تمامی بدنه نظام اداری و سیاسی ارجاع می دهد با وجود این عمل استخدام وقتی که نیاز به تصویب مجلس داشته باشد باید بر اساس لایحه قانونی که به تصویب هیأت وزیران می رسد انجام پذیرد." ^۱ با وجود این ماده ۲۱۳ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تأکید می کند که در مورد استخدام کارشناسان خارجی دولت موظف است متن تفصیلی آنرا همراه با لایحه قانونی تقدیم مجلس نماید تا به صورت یک شوری مورد رسیدگی قرار گیرد. بنابراین اینکه اخذ مجوز استخدام باید از طریق ارائه لایحه توسط قوه مجریه به مجلس صورت بگیرد. در اینجا یکی از قوای سه گانه یعنی مجلس شورای اسلامی را از مشمول مفهوم دولت خارج می سازد لذا مفهوم دولت در این اصل ناظر بر مجلس نیست. اما مفهوم این استدلال آن نیست که مجلس می تواند کارشناسان خارجی را استخدام نماید بلکه استخدام کارشناسان خارجی از طریق مجلس به طور مطلق ممنوع است و مجلس نمی تواند حتی با تصویب خود کارشناسان خارجی را استخدام کند. همین امر که اصولاً لایحه از طریق دولت به مفهوم هیأت وزیران به مجلس تقدیم می شود را می توان مبنای این استدلال قرار داد که قوه قضائیه نیز شامل این اصل نمی شود و ممنوعیت استخدام کارشناسان خارجی توسط قوه قضائیه مطلق است. به علاوه اینکه در بند ۳ اصل یکصد و پنجاه و هشتم یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه استخدام قضات عادل و شایسته بیان شده است و قانون اساسی استخدام کارشناسان خارجی در صلاحیت رئیس قوه قضائیه قرار نداده است بنابراین با توجه به اصل عدم صلاحیت در حقوق اداری استخدام کارشناسان از حوزه قوه قضائیه خارج است لذا باید گفت استخدام کارشناسان خارجی نیز در قوه قضائیه موضوعیت ندارد بنابراین دولت در اصل ۸۲ به مفهوم قوه مجریه است البته از این اصل استنباط نمی شود که استفاده از خدمات کارشناسان خارجی در پروژه های تحقیقاتی و موردی منع شده است. ^۲

۸- اصل یکصد و سی و چهارم

^۱- همان منبع ص ۲۳۹

^۲- نظریه ۱۳۸۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۴ شورای نگهبان "بکارگرفتن کارشناسان خارجی و استفاده از تخصص آنان به طور موقت در ارتش، عضویت در ارتش که در اصل ۱۴۵ قانون اساسی ممنوع شده است محسوب نمی گردد. طبیعی است طبق اصل ۸۲ قانون مذکور استخدام کارشناسان خارجی در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکانپذیر است."

طبق این اصل "ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیمهای وزیران و هیأت دولت می پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین می کند.

در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می شود لازم است. رئیس جمهور در برابر مجلس مسؤول اقدامات هیأت وزیران است."

واضح است مفهوم دولت در ترکیب هیأت دولت در پاراگراف اول این اصل همان هیأت وزیران است. اما دولت در قسمت دیگر اصل که مقرر می دارد رئیس جمهور با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین می کند به مفهوم قوه مجریه است. چون این اصل در مقام بیان جایگاه رئیس جمهور در هیأت وزیران و در قوه مجریه است (بر خلاف اصل ۱۱۳ که به رئیس جمهور شأنی فراتر از قوه مجریه نیز داده است). منظور از دولت در قسمت دوم اصل یعنی ترکیب دستگاه های دولتی نیز قوه مجریه است چون رئیس جمهور و هیأت وزیران نمی توانند در مورد دستگاه های مربوط به سایر قوا تصمیم گیری نمایند.

۹- اصل یکصد و چهل و هفتم

طبق این اصل "دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهادسازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حلی که به آمادگی رزمی ارتشی آسیبی وارد نیاید."

برخی عقیده دارند که دولت در اصل ۱۴۷ را به معنای عام تفسیر کرد و منظور از آن تمام نظام سیاسی و اداری کشور است،^۱ اما با توجه به موارد استفاده از افراد و تجهیزات ارتش در زمان صلح، باید دولت را به مفهوم قوه مجریه محسوب نمود. چون این اصل مقرر می دارد دولت در زمان صلح باید از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهادسازندگی استفاده کند^۲ کارهای آموزشی، تولیدی و جهادسازندگی همه مربوط به قوه مجریه هستند لذا منظور از دولت در این اصل قوه مجریه است.

^۱ - همان منبع، ص ۲۴۶

^۲ - بند د ماده ۷ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ که در مقام بیان مأموریت ها و وظایف ارتش است یکی از وظایف ارتش را "در اختیار قرار دادن افرادی که در ارتش هستند و تجهیزات فنی خود بنا به درخواست دولت در اجرای اصل ۱۴۷ قانون اساسی" بیان کرده است.

۱۰- اصل یکصد و پنجاه و یکم

طبق این اصل "به حکم آیه کریمه ((واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم و اخرين من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم)) دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزشی نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه با اجازه مقامات رسمی است."

دولت در این اصل را باید قوه مجریه دانست.^۱ زیرا تهیه برنامه و آموزش نظامی یک عمل اجرائی است که نمی توان آنرا از سایر قوا مانند قوه قضائیه توقع داشت. لذا وظیفه مذکور در این اصل را باید بر عهده قوه مجریه دانست در کل نیز امور نظامی و مربوط به نیروهای مسلح از امور اجرائی کشور است و از آنجا که طبق اصول ۶۰^۲ و ۱۱۳ قانون اساسی بخشی از امور قوه مجریه مستقیماً بر عهده رهبری قرار دارد و بندهای ۴ و ۵ و بند ۶ (بند د و ه) اصل ۱۱۰ قانون اساسی بخشی از امور قوه مجریه که مربوط به نیروهای مسلح است را از وظایف رهبری ذکر کرده است. یعنی اینکه امور نظامی، اجرائی هستند ولی مسئولیت آن بر عهده رهبری واگذار شده است

۱۱- اصل یکصد و هفتادم

طبق این اصل "قضات دادگاه ها مکلفند از اجرای تصویب هامة ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند."

قید اینکه چنانچه آیین نامه های دولتی خارج از اختیارات قوه مجریه باشد نشانه این است که منظور از آئین نامه های دولتی آئین نامه های قوه مجریه است. لذا می توان گفت منظور از دولت در این اصل قوه مجریه است. البته قید آئین نامه های دولتی و قوه مجریه، و نظریه شوراهای نگهبان در ۸۳/۸/۲۸ در مورد این اصل مطالبی را ایجاب می کند که توسط صاحب نظران مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.^۳

گفتار چهارم: دولت به مفهوم هیأت وزیران

^۱ - نظر مخالف در همان منبع، ص ۲۴۷

^۲ - اصل ۶۰ قانون اساسی ج.ا.ا. : اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.

^۳ - دکتر علی اکبر گرجی، حاکمیت قانون و محدودیت های حق دادخواهی در دیوان عدالت اداری، مجموعه مقالات همایش دیوان عدالت اداری: صلاحیت قضائی و دادرسی اداری، ناشر انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، فروردین ۱۳۸۸، ص ۸۹. جواد محمودی، تأملی بر نظریه شورای نگهبان درباره صلاحیتهای دیوان عدالت اداری، نشریه حقوق اساسی، زمستان ۱۳۸۴، سال سوم، شماره ۵، ص ۳۹۰ دکتر محمد امامی، کورش استوار سنگری، حقوق اداری جلد اول نشر میزان ۱۳۸۶، ص ۱۶۷

در برخی از اصول قانون اساسی صراحتاً اصطلاح هیأت وزیران به کار رفته است (از جمله اصول ۸۷^۱ و ۱۳۴) اما با توجه به استدلالهایی که در این مبحث بیان خواهد شد منظور از دولت در اصول ذیل هیأت وزیران یا کابینه است.

۱- اصل پنجاه و دوم

طبق این اصل "بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود و از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم میگردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود."

دولت در اینجا مترادف هیأت وزیران است چون طبق قانون بودجه ای که دولت تهیه کرده و توسط هیأت وزیران تصویب شده است به مجلس تقدیم می گردد.

۲- اصل هفتاد و نهم

این اصل "مقرر می دارد که برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند."

منظور از دولت در این اصل هیأت وزیران یا هیأت دولت است. چون کسب مجوز موضوع این اصل از طریق هیأت وزیران درخواست می شود.

۳- اصل هشتاد و پنجم (قسمت دوم)

اصل هشتاد و پنجم مقرر می دارد "سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید به صورت آزمایشی اجرا می شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

همچنین مجلس شورای اسلامی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای ذی ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به

^۱ اصل ۸۷: رئیس جمهور برای برای هیأت وزیرانپس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می تواند از مجلس برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

دولت بدهد، در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد."

در آن بخش از اصل ۸۵ که اصطلاح دولت برای بار سوم به کار گرفته شده است یعنی "... یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد." و بعد از آنکه اصطلاح مصوبات دولت به کار برده شده است منظور از دولت در سه مورد اخیر به مفهوم هیأت وزیران است چون مجلس می تواند اجازه تصویب اساسنامه سازمانها و شرکتهای و مؤسسات دولتی را به هیأت وزیران بدهد که در این صورت مصوبات هیأت وزیران (دولت) نباید با اصول احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی و یا قوانین و مقررات عمومی (عادی) کشور مغایرت داشته باشد که در این اصل طریق کنترل این مصوبات نیز بیان شده است.

۴- اصل یکصد و دوم

طبق این اصل "شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح ها با در مجلس مورد بررسی قرار گیرد."

منظور از دولت در این اصل هیأت وزیران است طبق اصل ۷۴ قانون اساسی لوایح دولت از طریق هیأت وزیران به مجلس تقدیم می شود و در این اصل نیز مقرر شده است یکی از راههای پیشنهاد طرح های تهیه شده در شورای عالی استانها به مجلس از طریق دولت یعنی هیأت وزیران است.

۵- اصل یکصد و سی و پنجم

طبق این اصل "وزراء تا زمانی که عزل نشده اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می مانند استعفای هیأت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظائف خود ادامه خواهد داد..." دولت جدید در این اصل به مفهوم هیأت وزیران جدید است.

۶- اصل یکصد و سی و ششم

کلمه دولت در اصل ۱۳۶ نیز به مفهوم هیأت وزیران است. چون این اصل مقرر می دارد "رئیس جمهور می تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند" ابراز رأی اعتماد به مجلس به دولت یعنی رأی اعتمادی که مجلس به وزراء

می دهد، که مجموع آنها هیأت وزیران را تشکیل می دهند، و گرنه، در قانون اساسی ج.ا.ا. رأی اعتماد به یک مجموعه کلی و واحد به عنوان دولت موضوعیت ندارد.

۷- اصل یکصد و سی و هشت

این اصل مقرر می دارد "علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا و وزیری مأمور تدوین آئین نامه های اجرایی قوانین می شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظائف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب نامه و آئین نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظائف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم الاجرا است.

تصویب نامه ها و آئین نامه های دولت و مصوبات کمیسیون های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد."

منظور در بند دوم اصل (دولت می تواند تصویب برخی از امور مربوط....) هیأت وزیران است و همچنین دولت در قسمت بند سوم این اصل (تصویب نامه و آئین نامه های دولت) به مفهوم هیأت وزیران است. در پایان اصل نیز تصریح شده که رئیس مجلس آئین نامه های دولتی را که خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران می فرستد.

گفتار پنجم: دولت به مفهوم قوه قضائیه

منظور از دولت در اصل یکصد و هفتاد و یکم قوه قضائیه است این اصل مقرر می دارد "هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضررمادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد."

دولت در این اصل به مفهوم قوه مجریه نیست چون نمی توان قوه مجریه را مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص از ناحیه قوه قضائیه (قضات) دانست به طریق اولی دولت در اینجا به مفهوم هیأت وزیران نیز نیست. اما دولت در اصل ۱۷۱ به مفهوم کل حاکمیت نیز نیست چون اولاً در این صورت مشخص نیست فرد ذینفع چگونه می

تواند کل حاکمیت را طرف دعوی قرار دهد^۱ و چه دستگاهی باید طرف دعوی قرار گیرد ثانیاً کل حاکمیت نیز چگونه و از چه طریقی به زیان دیده خسارت پرداخت می کند. لذا بایستی در اینجا دستگاهی که از طرف حاکمیت پاسخگو و مورد سؤال است مشخص شود بنابراین چون ضرر مادی و معنوی موضوع اصل ۱۷۱ توسط قاضی و یا به واسطه عمل قضائی منتسب و وابسته به قوه قضائیه وارد شده است لذا در اینجا باید قوه قضائیه مسئول باشد^۲ بنابراین دولت در این اصل به مفهوم قوه قضائیه است اصل ۱۷۱ قانون اساسی از این جهت یکی از نادرترین اصول قانون اساسی است که اصطلاح دولت مذکور در آن به مفهوم قوه قضائیه است هر چند که ممکن است نویسندگان قانون اساسی به این نکته توجه نداشته اما این اصل نشان می دهد که همیشه نمی توان اصطلاح دولت را به مفاهیم متعارف تفسیر نمود. چون معمولاً زمانی که دولت را به یکی از قوا اطلاق می شود فوراً قوه مجریه به ذهن متباد می شود. ولی با توجه به قیود و امارات موجود هر اصل یا ماده قانونی و یا متن حقوقی دیگر می توان دولت را به کشور، مجموعه حاکمیت، یا یکی از قوا تفسیر نمود و دولت مندرج در این اصل قوه ای غیر از مجریه یعنی قوه قضائیه است.

گفتار ششم: مفهوم دولت در قانون اساسی با اصطلاحات دیگر

بند اول: حکومت به مفهوم دولت

در برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصطلاحات دیگر از قبیل حکومت، جمهوری اسلامی بیان شده است که منظور از آن دولت است در این مبحث این اصطلاحات و اصول مربوطه مورد بحث گذاشته می شود.

در قانون اساسی ج.ا. اصطلاح حکومت ۶ بار در اصول ۴۵ و ۷۹ و ۱۰۰ و ۱۵۴ و ۱۷۷ به کار رفته است در چهار اصل اول ۴۵ و ۱۰۰ و ۱۷۷ به نوعی حکومت مترادف با دولت است که در ذیل بررسی می شود. البته اصطلاح

^۱ - یک نظر معتقد است که دولت در این اصل به معنای عام (سه قوه) و کل نظام اداره کننده کشور است ولی استدلالی برای آن بیان نشده است. همان منبع، ص ۲۴۹

^۲ - یکی از اساتید بزرگ حقوق اساسی در مورد این اصل عقیده دارند در صورت اشتباه قاضی چون در وی قصد ایراد به خسارت به غیر نداشته عدم مسئولیت وی امری منطقی است اما چون در اقدام قضائی راه خطا پیموده شده است و دیگری خسارت دیده است حق این است که جبران خسارت به هر نحو به عمل آید فلذا چون دستگاه حاکمیت (قوه قضائیه) مسئولیت نهایی امر قضا را بر عهده دارد متوجه آن دستگاه می شود ر.ک. دکتر سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۱ ص ۵۴۷، یعنی به نظر ایشان منظور از دولت در اینجا قوه قضائیه است البته ایشان فروض دیگر در موارد عوامل احتمالی که قاضی را در رسیدگی و صدور حکم به اشتباه می اندازد را مطرح می کنند ولی در تمام فروض دولت را مسئول جبران خسارت می دانند ولی منظور از دولت بیان نمی کنند. ر.ک.، همان منبع، ص ۵۴۸

حکومت در اصول قانون اساسی همیشه به مفهوم دولت نیست و در برخی از اصول مانند اصل یکصد و پنجاه و چهارم^۱ حکومت به معنی لغوی آن یعنی فرمانروائی و اداره کردن یک کشور است.

۱- اصل اول

در اصل اول ق.اساسی.ج.ا. آمده است "حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه هشت شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد."

در این اصل نوع حکومت حاکم بر ایران بیان شده است. منظور از حکومت در این اصل نظام است یعنی در این اصل شکل نظامی سیاسی ایران با توجه به تقسیم بندی رایج انواع نظام ها در حقوق عمومی و علوم سیاسی توضیح داده می شود که این اصل نوع آن را جمهوری اعلام می کند.^۲ اگر حکومت و دولت را به مفهوم عام در نظر بگیریم در این اصل حکومت به مفهوم عام دولت یعنی مجموعه حاکمیت سیاسی مدنظر است. چون در تقسیم بندی انواع حکومت و انواع دولت ها از نظر ماهوی و از ضامن که به عنوان رژیم سیاسی حاکم بر یک سرزمین مطرح است حکومت و دولت مترادف یکدیگرند. بنابراین می توان گفت منظور از جمهوری اسلامی در اصل اول قانون اساسی دولت به مفهوم عام یعنی مجموعه حاکمیت سیاسی، همان نظام سیاسی حاکم بر ایران است.

۲- اصل ۴۵

این اصل مقرر میدارد "انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رهاس شده، معادن، دریاها، دریایچه ها، رودخانه ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره ها، جنگلها، نیزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند."

در جمله در اختیار حکومت است حکومت اسلامی در اینجا مترادف با دولت است و دولت (حکومت) در این اصل به مفهوم قوه مجریه است چون اولاً موارد مذکور در اصل از قبیل زمین، موات، معادن، جنگلها، مراتع

^۱- اصل ۱۵۴: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جهان بشری را آرمان خود می داند و استقلال آزادی و حکومت حق و عزل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملتهای دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.

^۲- دکتر سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، پیشین، ص ۵۶

و.... در اختیار قوه مجریه قرار دارد و قوانین عادی نیز بر برخی از موارد مذکور نیز تصریح می کند که این موارد در اختیار قوه مجریه است که از جمله می توان به قانون نفت مصوب ۱۳۶۶^۱/۷/۹ و قانون معادن مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ و قانون تأسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی^۳ مصوب ۱۳۷۰ استناد کرد.

۳- اصل یکمدم

طبق این اصل "برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می کند."

منظور از اینکه در اصل ۱۰۰ شوراهای تابعیت^۴ حکومت مرکزی باشد یعنی تابع دولت مرکزی باشد حکومت در اینجا به مفهوم دولت (به مفهوم عام) است یعنی شوراهای تابع سلسله مراتب دولت مرکزی باشند^۵. تأکید بر

^۱- طبق ماده ۲ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ منابع نفت کشور جزء انفال و ثروتهای عمومی است و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می باشد و کلیه تأسیسات و تجهیزات و دارائی ها و سرمایه گذاریهایی که در داخل کشور توسط وزارت نفت و شرکتهای تابعه به عمل آمده و یا خواهد آمد متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی خواهد بود. اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که براساس مقررات و اختیارات مصرح این قانون به عهده وزارت نفت می باشد که بر طبق اصول و برنامه های کلی کشور عمل نماید.

^۲- ماده ۲ قانون معادن: هر کس بدون اخذ پرونده اکتشاف یا بهره برداری و یا اجازه برداشت اقدام به نهادهای اکتشافی استخراج برداشت و بهره برداری مواد معدنی نماید متصرف در اموال عمومی و دولتی محسوب می شود....

^۳- طبق مواد ۱ و ۴ این قانون به منظور جمع آوری و نگهداری، اداره و فروش کالاهای متروکه دولتی، غیردولتی و ضابطی و قاچاق قطعیت یافته و کالاهای قاچاق بلاصاحب و صاحی متواری و همچنین اموال منقول و غیرمنقول و حقوق مالی که بر اثر احکام و قراردادهای قطعی مراجع زیرصلاح و یا تصمیم مراجع صلاحیت دار اداری و صنفی به انحاء مختلف از قبیل ضبط، مصادره، استرداد، تملیک، جریمه و تعزیر مالی، صلح، هبه و نیز سایر اموالی که در اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین تملک و به تصرف دولت در آمده یا درمی آید سازمان جمع آوری و فروش املاک تملیکی به صورت شرکت دولتی تشکیل شده است که وابسته به وزارت امور اقتصاد و دارائی است.

^۴- به نظر می رسد تابعیت در این اصل به مفهوم تابعیت کشور موضوع اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی نیست بلکه اصطلاح صحیح در این اصل تابع باشند یعنی منظور این است که شوراهای تابع حکومت مرکزی می باشند.

^۵- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ناشر اداره کل امور فرهنگی و دیوان عمومی مجلس شورای اسلامی، آذر ۱۳۶۴، تهران، جلد ۲، ص ۹۸۶-۱۰۰۵.

تابعیت دولت و این امر به نوعی برای جلوگیری از اقدامات و یا خوانده های خود مختار از توسط شوراها بوده است.

۴- اصل یکصد هفتاد و هفتم

طبق این اصل "بازنگری در قانون جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می نماید:

۱- اعضای شورای نگهبان

۲- رؤسای قوای سه گانه

۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری

۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری

۶- سه نفر از هیأت وزیران

۷- سه نفر از قوه قضائیه

۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۹- سه نفر از دانشگاهیان

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می کند.

مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه پرسی ((بازنگری در قانون اساسی)) لازم نیست.

محتوای اصل مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آرا عمومی و دین و وذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است."

اینکه در این اصل تأکید شده است جمهوری بودن حکومت تغییر ناپذیر است یعنی نوع حکومت ایران که جمهوری است قابل بازنگری و تغییر نیست. حکومت و دولت در این اصل مترادف است چون تقسیم بندی انواع حکومت هادر نهادهای سیاسی در حقوق اساسی به نوعی همان تقسیم بندی انواع دولت ها نیز هست.

بند دوم: جمهوری اسلامی به مفهوم دولت

اصطلاح جمهوری اسلامی در ۲۸ اصل قانون اساسی^۱ به کار رفته است. جزء در اصل اول قانون اساسی که در ابتدای آن اعلام شده است "حکومت ایران جمهوری اسلامی است....که در این اصل جمهوری اسلامی به عنوان نوعی حکومت و جهت تفکیک آن از دیگر حکومت ها بیان شده است. در مقدمه اصل دوم ق.ا.ج.ا. بیان شده است "جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریع.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا ه از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین.

ب- استفاده از علوم و فنون تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.

ج- نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل استقلال سیاسی و اقتصادی و

اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین میکند."

در این اصل مانند اصل اول جمهوری اسلامی به عنوان نوع حکومت به مفهوم نظام حقوقی سیاسی بیان شده است.^۲ اما با توجه به اصل سوم می توان گفت اصطلاح جمهوری اسلامی در این اصل به نوعی دولت به مفهوم عام یعنی مجموعه حاکمیت سیاسی را در بر دارد. در تمام اصول دیگر جمهوری اسلامی به مفهوم نظام جمهوری اسلامی یا رژیم جمهوری اسلامی است. نظام یا رژیم در حقیقت همان حکومت است حکومت می تواند یکی از مفاهیم دولت باشد که قبلاً نیز توضیح داده شده که حکومت و دولت عموماً به عنوان مترادف یکدیگر بکار می

^۱- این اصول عبارتند از: ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱

روند.^۱ البته در برخی از اصول قانون اساسی اصطلاح جمهوری اسلامی با اصطلاح دیگر آمده است از جمله اصطلاح جمهوری اسلامی ایران که در اصل ۶۰ و ۸۰ و ۹۰ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۵۲ به کار رفته است. در مواردی مانند اصل دوم با قید دولت همراه است و با ترکیب دولت جمهوری اسلامی ایران آمده است و یا در اصل ۴۳ با ترکیب اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و در اصل ۴۴ با ترکیب نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است.

بند سوم: کشور به مفهوم دولت

اصطلاح کشور در ۴۲ اصل قانون اساسی^۲ ح.ا.ا به کار رفته است کشور در اصول مذکور یا به عنوان سرزمین ایران (قلمرو سرزمین جمهوری اسلامی ایران) است یا به مفهوم دولت.

الف - کشور به مفهوم سرزمین: اصطلاح کشور در برخی از اصول به مفهوم یا عنوان قلمرو حکومت یا سرزمین ایران مورد نظر بوده است برای مثال در اصل نهم مقرر شده است: "در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند."

قید تمامیت ارضی کشور که در این اصل دوبار تکرار شده است به خوبی نشانه این است که منظور از کشور در این اصل سرزمین ایران با قلمرو سرزمین جمهوری اسلامی ایران است.

در اصل ۲۹ مقرر نیز شده است: "بر خورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند."

منظور از یکایک افراد کشور در این اصل یک یک افرادی است که رد این سرزمین (کشور) زندگی می کنند.

در اصل شصت و هشتم نیز کشور به مفهوم سرزمین ایران است طبق این اصل: "در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط

^۱ - دکتر قاضی نیز معتقدند اصطلاح جمهوری اسلامی در اصولی مانند اصل دوم، ششم و پنجاه همان دولت - کشور است ر.ک. به دکتر ابولفضل قاضی، پیشین، ص ۱۲۶

^۲ - این اصول عبارتند از: ۲-۶-۷-۹-۱۷-۴۱-

اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد."

منظور از اشغال نظامی کشور، اشغال سرزمین ایران است و منظور از نقاط اشغال شده در قسمت دیگر اصل ۶۸ قسمتهایی از سرزمین ایران است اشغال شده است در این اصل مملکت نیز به مفهوم کشور (سرزمین) است در بند ۱۱ اصل سوم و اصول ۴۸-۶۹-۷۸-۱۴۳-۱۴۶-۱۵۲ نیز کشور به مفهوم سرزمین است.

نکته: کلمه ایران با ترکیب جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ اصل قانون اساسی به کار برده شده است اما علاوه بر آن در ۳ مورد دیگر اصول (۱-۱۲-۱۵-۱۸) بدون ترکیب جمهوری اسلامی به صورت مجرد یا با ترکیبات دیگر مانند مردم ایران (اصول ۱۵ و ۱۹ و حکومت ایران (اصل ۱)) مورد استناد قرار گرفته است در اینگونه موارد ایران به مفهوم کشور یا سرزمین ایران است.

ب- کشور به مفهوم دولت: اصطلاح کشور در برخی از اصول در قانون ج.ا.ا به مفهوم دولت است که در اینجا برای مثال به چند اصل اشاره می شود.

اصل ۱۷ مقرر می دارد "مبداء تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است." تاریخ رسمی کشور را یک سرزمین تعیین نمی کند بلکه نظام یا دولت حاکم بر یک سرزمین تعیین می کند چه بسا با تغییر مذهب افراد ساکن در یک کشور (سرزمین) تاریخ رسمی آن نیز تغییر کند.

- اصل ۴۱ مقرر می دارد "تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است..... با توجه به مفهوم تابعیت در حقوق منظور از کشور در این اصل به مفهوم دولت (به مفهوم عام) است."

- اصل ۵۲ نیز مقرر می دارد "بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می گردد...." است با توجه به تعریفی که در قوانین از بودجه شده است منظور بودجه کل کشور^۳ در این اصل بودجه دولت است."

۱- اصول ۱-۲-۵-۶-۸-۹-۱۴-۱۸-۲۶-۴۳-۴۴-۵۰-۵۷-۶۷-۱۰۰-۱۰۷-۱۱۰-۱۱۵-۱۲۱-۱۴۳-۱۴۴-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۸-۱۷۷

۲- تابعیت رابطه ای سیاسی، معنوی و حقوقی که فردی را به یک دولت مرتبط می سازد و حقوق و تکالیف اصلی وی نیز از همین رابطه ناشی می شود. ر.ک. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص ۱۳۵، دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، جلد ۴، کتابفروشی اسلامیة، چاپ پانزدهم، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۶، البته در منابع مذکور تابعیت را رابطه ای سیاسی، معنوی بیان کرده اند. برخی دیگر گفته اند تابعیت رابطه ای است که یک شخص حقیقی یا حقوقی

۳- رأی اصراری ۱۲۱-۴۷/۷/۲۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این مورد قابل توجه است طبق این رأی تابعیت وصف و در عین حال رابطه حقوقی خاصی است که شخصی را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی مرتب می سازد و جزء عناصر و واصاف ایجاد کننده حالت یا به تعبیر دیگر

- اصل ۱۰۳ مقرر می دارد "استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند".
- منظور از مقامات کشور مقامات دولتی است.
- اصل ۱۰۵ مقرر می دارد "تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد." منظور از قوانین کشور قوانینی است که توسط حاکمیت (دولت به مفهوم عام) یا نظام جمهوری اسلامی وضع می گردد.
- اصل ۱۱۳ مقرر می دارد "پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، برعهده دارد."
- عالی ترین مقام رسمی کشور به مفهوم عالی ترین مقام در دولت (به مفهوم عام) آن است.
- اصل ۱۲۶ مقرر می دارد "رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد."
- منظور از امور اداری و استخدامی کشور امور اداری و استخدامی دولت است.
- اصل ۱۲۹ مقرر می دارد "سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می کند و استوارنامه سفیران دیگر را می پذیرد."
- سفیران موردنظر در این اصل به عنوان سفیران کشورها بیان شده است سفیران دولتها است.
- در اصول مذکور کشور به مفهوم دولت است پیشتر توضیح داده شد که در حقوق زمانی که از دولت با وجود عناصر سه گانه (جمعیت، سرزمین، حاکمیت) بحث می شود منظور از آن کشور است. اما در اینجا کشور به مفهوم مجموعه حاکمیت (دولت) است.

موقعیت حقوقی فرد در اجتماع قرار می گیرد.... ر.ک. به دکتر عبدالحسین علی آبادی، موازین قضائی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور (مدنی)، جلد ۱۴، انتشارات سیندار شاهد، تهران، تابستان، ۱۳۶۴، ص ۱۹۶

نتیجه گیری

۱- در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی دولت به پنج مفهوم گفته شده یعنی به مفهوم کشور به مفهوم مجموعه حاکمیت سیاسی، به مفهوم قوه مجریه، به مفهوم هیأت وزیران یا کابینه و در یک مورد خاص به مفهوم یکی از قوا (غیر از قوه مجریه) یعنی قوه قضائیه به کار رفته است. می توان گفت بر اصول مذکور زمانی که بحث از حقوق ملت در برابر دولت است در این موارد بایستی دولت را به مفهوم عام یعنی مجموعه حاکمیت سیاسی و مجموعه نهادهایی که اقتدار رسمی را اعلام می کنند در نظر گرفت مگر مواردی که حقی که برای ملت پیش بینی شده و تکلیفی که در این زمینه بر عهده دولت قرار داده شده ناظر بر بخش خاصی از حاکمیت باشد و در این صورت با توجه به ماهیت آن وظیفه و تکلیف باید دولت را به مفهوم یکی از قوا در نظر گرفت.

۲- در هر اصلی از قانون اساسی که دولت بدون قرینه ای آمده است باید آن را به مفهوم عام تفسیر نمود در غیر از این مورد اولین مفهومی که از مفهوم دولت بعد از مفهوم عام آن در ذهن متبادر می شود قوه مجریه است در مرتبه بعد زمانی که اصطلاح دولت به عنوان زیرمجموعه رئیس جمهور به کار می رود یا زمانی که بایستی به طور مستقیم در مقابل مجلس پاسخگو باشد باید آنرا به مفهوم کابینه یا هیأت وزیران تفسیر نمود.

۳- معمولاً اصطلاح دولت زمانی که به عنوان نهاد قدرت به کار می رود برداشت اولیه از آن کل حاکمیت و سپس قوه مجریه است لذا معمولاً دولت را به قوای دیگر یعنی قوه مقننه و مجریه حمل نمی کنند. بنابراین حمل مفهوم دولت به یکی از قوا به غیر از قوه مجریه نیاز به قرینه خاص دارد همچنان که با توجه به قرائن اصل ۱۷۱ ق.اساسی دولت در این اصل را به مفهوم قوه قضائیه دانستیم.